دوره ۱۳، شماره ۲ – تابستان ۱۴۰۴

فصلنامه علمی ـ پژوهشی
انجمن مطالعات سیاسی حوزه

بررسی مضامین حقوق شهروندی در کلام امیر مؤمنان علی (ع)

سمانه بنی صفار: گروه علوم سیاسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران. s_banisaffar@yahoo.com

احسان رازانی: گروه علوم سیاسی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران **(نویسنده مسئول)** razani@gmail.com

پیاده کوهسار: گروه الهیات و معارف اسلامی، واحد شاهرود، دانشگاه آزاد اسلامی، شاهرود، ایران.کa.koohsar@yahoo.com

چکیده

این موضوع که انسان دارای کرامت و جایگاه برتر در هستی است طی اعصار مختلف، به انحاء گوناگون در ادیان و مکاتب فکری مختلف مورد اشاره قرار گرفته است. در آیین اسلام نیز کرامت ذاتی انسان به‌عنوان عطیه الهی پذیرفته شده؛ چنانکه در آموزه‌های قرآن کریم، تعالیم پیامبر اسلام (ص) و سیره ائمه اطهار (ع)، به‌وضوح تأکید و توجه بر کرامت انسان و احترام به حقوق ذاتی وی، جهت رشد و پیمودن مسیر تعالی، نمود داشته است. مقوله‌ای که در کلام امام علی (ع) به‌عنوان امام اول شیعیان، حائز جایگاه برجسته‌ای است. در همین راستا؛ مقاله حاضر درصدد است با بررسی محتوا و شناسایی مضامین مرتبط با حقوق فرد در جامعه که امروزه به‌عنوان حقوق شهروند شناخته می‌شود؛ به این سؤال اصلی پاسخ دهد که؛ کدام‌یک از شاخص‌های حقوق شهروندی در کلام امیر مؤمنان مورد تأکید واقع‌شده‌اند؟ با توجه به گستره وسیع متن و فراوانی خطبه‌ها، نامه‌ها و حکمت‌ها؛ تلاش شد تا با استفاده از روش تحلیل محتوایی کیفی و گزینش هدفمند متون، شاخص‌های حقوق شهروندی موردبررسی قرار گیرد. یافته‌ها؛ حاکی از آن است که در نگرش امام (ع) انسان موجودی با نیازهای مادی و معنوی است و تأمین کرامت وی شرط لازم توسعه فردی و اجتماعی اوست و امیر مؤمنان مدیریت جامعه ولایی را در راستای تحقق هدف مذکور تنظیم نمودند.

واژگان کلیدی: اسلام، شهروند، حقوق شهروندی، امام علی(ع).

مقدمه

حفظ و تأمین کرامت انسان، به‌عنوان یک حق ذاتی، از ابتدای تاریخ همزاد بشر بوده است اما به‌عنوان یک مفهوم مدرن در قالب شهروندی؛ در واقع نتیجه تلاش‌های انسان‌های حق‌خواهی است که سال‌ها و بلکه قرن‌ها برای دستیابی به آن جان‌فشانی کرده‌اند.

شهروندی را می‌توان به‌نوعی مقارن و مترادف با پذیرش حق انسان‌ها برای زیستن و برخورداری از حقوق بنیادین معنا کرد. حقی که به همگان تعلق دارد و از این حیث نمی‌توان میان افراد تفاوت قائل شد (السان، ۱۳۸۷: ۲).

تأمین حقوق ابنا بشر با در نظر داشتن کرامت وی به‌عنوان شایسته‌ترین آفریده و حفظ و تداوم حیات آزادانه او بدون توجه به تفاوت‌ها و تنوعات فرهنگی، قومی، نژادی و غیره؛ در دین اسلام، به‌مثابه دینی کامل و جامع که به تمام جنبه‌های حیات انسانی توجه داشته و دستورات و آموزه‌های کامل و روشنی را برای بهبود و ارتقای تعاملات و ارتباطات اجتماعی انسان تعریف نموده است؛ به انحاء مختلف مبانی نظری دین مبین اسلام و سیره‌ی نبوی و ائمه هدی برجستگی یافته است (بهارلویی و نعمتی، ۱۳۹۷: ۴۳). نهج‌البلاغه به‌عنوان گزیده‌ی سخنان امام علی (ع) با توجه به این‌که بیش‌ترین بخش آن در دوران زمامداری آن حضرت و مربوط به مسائل حکمرانی و اداره جامعه است، می‌تواند ازجمله اسناد مهم برای فهم اندیشه امیرالمؤمنین حول مقوله حقوق شهروندان جامعه باشد (راسخون، ۱۳۸۸).

امروزه اصطلاح شهروندی، مجموعه حقوق و مزایایی است که با لحاظ کردن دو اصل کرامت انسانی و عدم تبعیض، جهت رشد فردی و اجتماعی افراد در سیستم حقوقی یک کشور، تعریف شده است (شکری، ۱۳۸۰: ۸۰). این نقد مطرح می‌شود که حقوق شهروندی اساساً مقوله زاییده تحولات دنیای مدرن و برآمده از اندیشه اومانیسم است که لزوماً با مبانی اسلامی همخوانی ندارد لذا بحث از حقوق شهروندان و بررسی آثار و شواهد آن در متون دینی و مذهبی کاری عبث است؛ در پاسخ به این نقد؛ باید گفت در متون و آثار دینی، شالوده‌های محکم و توانمندی برای انسان‌مداری و آزادی وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که می‌توان ادعا کرد که پیش از آغاز مدرنیته و در عهد سنت و روزگار جاهلیت یا کودکی بشر، دین، منبع و پشتوانه و آموزنده انسان‌مداری و حقوق او بوده است (باقی، ۱۳۸۲: ۷۲۵). همچنین در علم حقوق، یکی از منابع را ادبیات حقوقی می‌دانند. ادبیات حقوقی عبارت‌اند از تاریخ حقوق، نظریه قدما، متون، احکام و ادله آن در سالیان یا دهه‌ها و حتی قرون گذشته. مراجعه به ادبیات حقوقی، امری عادی و پذیرفتنی است و تاکنون احدی بدان خرده‌گیری نکرده و نگفته است که چرا به آرا و اقوال گذشتگان مراجعه می‌کنید و به عقل جمعی بسنده نمی‌کنید؛ بلکه، عقل، تاریخ و عرف را در فهرست منابع حقوق می‌شمارند.

امام علی(ع) معتقد به نظام ولایی بودند نظامی که مردم در آن از اهمیت فوق‌العاده تأسیسی، مشارکتی و نظارتی برخوردار هستند (انصاری و نظری، ۱۳۹۴: ۷). مقوله‌ای که مقاله حاضر درصدد است ردپای آن را در کلام امیرالمؤمنین به بررسی گذاشته و به این پرسش اصلی پاسخ دهد که؛ کدام‌یک از شاخص‌های حقوق شهروندی در کلام امیر مؤمنان مورد تأکید واقع‌شده‌اند؟ در جستجوی پاسخ این سؤال، تلاش شد تا با استفاده از روش جستجوی منابع تخصصی و کاوش ادبیات مرتبط و در ادامه تحلیل محتوای مقولات مرتبط با حقوق شهروندی در کلام امیرالمؤمنین مورد واکاوی قرار گیرد.

در رابطه با مسئله موردنظر در این مقاله اما آثار متنوعی در قالب کتب و مقالات به رشته تحریر درآمده‌اند که به شکل مستقیم یا غیرمستقیم، با پژوهش حاضر ارتباط برقرار می‌کنند و به‌عنوان پیشینه موردتوجه قرار گرفتند و در یک دسته‌بندی، به آثار مرتبط با

مقوله شهروندی، مؤلفه‌های آن و آثار مرتبط با جایگاه شهروندی و تحولات آن تقسیم شدند. که به‌اختصار در جدول ذیل تبیین شده‌اند:

جدول شماره ۱) گزیده مطالعات مربوط با شهروندی جمع‌بندی نگارندگان از منابع دیگر

عنوان	موضوع محوری	نویسنده/نویسندگان/ سال/ انتشارات
حقوق شهروندی در اسلام	مضامین مرتبط با حقوق مدنی شهروندی در منابع دینی به‌طور عام و فرموده‌های امام علی(ع) به‌طور خاص مورد واکاوی قرار گرفته است.	رسولی فرد (۱۴۰۰)
تحلیل زمینه‌های حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه	موضوع حاکمیت و حقوق شهروندی را در کلام امیرالمؤمنین موردبررسی قرار داده است.	خزایی (۱۳۹۵)
بررسی مفهوم شهروندی در ادبیات شهری ایرانی اسلامی	ضمن تبیین مفهوم شهروندی و ارائه تعاریفی از آن، پیشینه تاریخی آن را بررسی و جایگاه آن را در ادبیات حقوقی و قوانین شهری اسلامی کشور بررسی کرده است.	رضازاده و همکاران (۱۳۹۴)
تحول مفهوم شهروندی در فرایند جهانی‌شدن	ضمن تبیین مفهوم شهروندی، بیان می‌کند که ساحت نوینی از شهروندی در قرن ۲۱ در حال ظهور است به نام شهروند فراملی یا جهانی.	دیلم صالحی (۱۳۹۳)
تفسیر مفهوم شهروند در قوانین ایران	با تبیین مفهوم شهروند ایران و تقسیم مصادیق آن به شهروند ملی و فراملی، شهروند محلی و فرامحلی؛ حقوق قانونی هر گروه را بررسی کرده است.	سروری مقدم (۱۳۹۳)
مطالعه تطبیقی حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه و حقوق شهروندی مدرن	ضمن تبیین مفهوم حقوق شهروندی، شاخص‌های آن را در نظریه مارشال ترنر و نهج‌البلاغه مورد مقایسه قرار داده است.	کاووسی و آقاجان زاده (۱۳۹۳)
تحول مفهوم شهروندی و ظهور شهروند جهانی	ضمن تبیین مفهوم شهروندی، بیان می‌دارد که آخرین مرحله تکامل شهروندی، نیل به شهروند جهانی در دوره پسامدرن و در بستر اجتماعی جهانی‌شدن است.	عیوضی و با گوره (۱۳۹۱)
حقوق و تربیت شهروندی در نهج‌البلاغه	با ارائه تعریفی از شهروندی و وضعیت آن, و نیز نظر قرآن دراین‌باره, حقوق شهروندی از دیدگاه نهج‌البلاغه و حضرت علی (ع) بررسی کرده است.	پور طهماسبی و تاجور (۱۳۹۰)

بررسی مفهوم شهر و شهروندی از دیدگاه جامعه‌شناسی	در این مقاله سعی شده به بررسی و تحلیل مقوله‌هایی چون نظام شهروندی و مسائلی که مربوط به جنبش‌های اجتماعی است پرداخته شود.	نوابخش (۱۳۸۵)

بررسی آثار فوق ضمن آشنایی با نویسندگان و صاحب‌نظرانی که در حوزه مرتبط با پژوهش فعالیت دارند و اشاره به مفاهیم کلیدی مسئله موردنظر در پژوهش حاضر، درک بهتری برای فهم آن مفاهیم فراهم آورده‌اند. از سوی دیگر یافتن ابزار مناسب برای انجام پژوهش فعلی از ضرورت‌هایی است که با مرور ادبیات میسر شد. در ادامه با تکیه مباحث بر روش علمی در گردآوری و بررسی و ارزیابی داده‌ها، به‌ویژه در تحقیقاتی که جنبه تاریخی توصیفی و تحلیلی دارند باب جدیدی در این مسیر می‌گشاید. موضوعی که در پژوهش حاضر مدنظر نگارندگان است.

۱) ادبیات موضوعی پژوهش

در نظام حقوقی کشورهای مختلف، حقوق اتباع، متفاوت از حقوق بیگانگان در آن کشورها می‌باشد و برای تمیز قانونی ایشان از یکدیگر، اصطلاحاتی چون تبعه، شهروند یا هر دو استفاده می‌شود (سروی مقدم، ۱۳۹۳: ۹۴). درواقع، شهروندی یک موقعیت فعالانه است، چراکه در مفهوم «شهروندی» همزمان حقوق و تکالیفی متناسب برای هر یک از شهروندان در نظر گرفته می‌شود. مقوله شهروندی در عین اینکه مجموعه‌ای از حقوق را برای شهروندان تعیین می‌کند و ایشان را بدون هیچ استثنائی از حقوق مذکور بهره‌مند می‌سازد، تکالیفی را هم برای آن‌ها ایجاد می‌کند که باید مراعات نمایند (میرزایی، ۱۴۰۰). با توجه به تأکید مقاله حاضر، بر مقوله حق، در ادامه برای روشن شدن جایگاه حق در مقوله شهروندی، ضمن تبیین این مفهوم و مفاهیم مرتبط با آن، جایگاه حقوق شهروندی در اسلام و کلام امیرالمؤمنین که مبنای بحث مقاله حاضر را شکل داده است، تشریح می‌شود.

تعریف حق[۱] فرهنگ عمید واژه «حق» را به معنای راست، درست، ضد باطل، ثابت، واجب، کاری که البته واقع شود تعریف کرده است (عمید، ۱۳۹۶). اما ازلحاظ حقوقی تعریف حق متفاوت است؛ چنانکه دکتر کاتوزیان در کتاب مقدمه علم حقوق حق را چنین تعریف نموده‌اند: "سلطه و اختیاری است که حقوق هر کشور به‌منظور حفظ منافع اشخاص به آن‌ها می‌دهد" (کاتوزیان، ۱۳۸۹: ۲۴۹). و یا در جای دیگری چنین تعریف می‌کنند "نفع و امتیازی است برای شخص که نظام حقوقی هر کشور در راستای اجرای قسط و عدالت از آن پشتیبانی می‌کند و به او امکان تصرف در احقاق حق و منع دیگران از تجاوز به حق ایشان را اعطا می‌کند" (کاتوزیان، ۱۳۸۱: ۴۴۲).

[۱] Right

تعریف شهروند[۱] حقوق بشر و اصطلاح شهروند، برای اولین بار در تاریخ ۲۶ ماه اوت در اعلامیه ۱۷۸۹فرانسه مطرح شد. در مقدمه این اعلامیه این‌چنین آمده است که علت بسیاری از فجایع عمومی و به‌ویژه فساد دولتی‌ها فراموشی، انکار و حتی تحقیر حقوق انسانی انسان‌های جامعه است (ابن تراب، ۱۳۸۵: ۴۱). اصطلاح مذکور، منزلت و جایگاهی را نشان می‌دهد که توسط قانون به یکایک افراد یک جامعه داده می‌شود. همچنین، این مفهوم حاکی از آن است که افراد بنا به جایگاهی که در یک واحد سیاسی یا اجتماع دارند از حقوقی برخوردار می‌شوند (صرافی و عبداللهی، ۱۳۸۷: ۱۱۹).

تعریف حقوق شهروندی[۲] حقوق شهروندی آمیخته‌ای است از حقوق، تکالیف، وظایف و مسئولیت‌هایی که شهروندان یک جامعه در تعامل با یکدیگر، با دولت و قوای حاکم است. مجموعه این حقوق و مسئولیت‌ها با عنوان حقوق شهروندی تعریف می‌شود (فتحی و مختار پور، ۱۳۹۰: ۸۴). بر اساس این رویکرد، چون افراد در زندگی مشترکی سهیم می‌شوند، پس دارای حقوق و وظایفی نیز هستند. ازجمله این حقوق می‌توان این موارد را برشمرد: الف) حقوق سیاسی: حقوقی است که به مردم حق می‌دهد در تصمیمات سیاسی کشور، فرایند انتخابات، تشکیل احزاب سیاسی و غیره، به‌طور فعال مشارکت داشته باشند. ب) حقوق اجتماعی: حقوقی است که برای ایجاد تعادل در زندگی عموم، تأمین امکانات رفاهی و آسایش خانواده و افراد جامعه به ایشان اعطا می‌شود. پ) حقوق معنوی: همچون حق آزادی اندیشه، حق آزادی بیان، حق برابری و عدم تبعیض و حق برخورداری از دادرسی عادلانه. ت) حقوق مادی: همچون حق زندگی، حق امنیت، حق رفت‌وآمد، حق مسکن، حق انتخاب شغل، حق امنیت اجتماعی و حق مالکیت شخصی (بهارلویی و نعمتی، ۱۳۹۷: ۵۲).

تعریف حقوق شهروندی در اسلام: در سیر تحول و تطور تاریخی مباحث مرتبط با حقوق بشر لازم است بزرگ‌ترین سهم را به ادیان توحیدی داد. چراکه اساساً ادیان با داعیه الهی و جهانی همواره مقابل ستمگران و قدرتمندان فاسد و ناقض حقوق ابنا بشر ظهور و بروز پیدا کرده‌اند و در حوزه تعلیمات اجتماعی خود نیز در جهت ایجاد عدالت و برقراری برابری حقوق انسان‌ها و رفع تبعیض‌های متنوع نژادی، قومی و امتیازات طبقاتی مبارزه کرده‌اند (ابن تراب، ۱۳۸۵: ۴۱). اما مبنای سنجش حقوق شهروندی، مراعات و تأمین و تضمین آن‌ها و برخورداری از آن‌ها در عرصه جامعه است. در نظام حقوقی اسلام تأمین حقوق شهروندان برخاسته از نوع نگاه این نظام حقوقی به انسان[۳]است. نگاه کرامت گونه به انسان و برابر بودن انسان‌ها از نظر حقوقی و همچنین همبسته بودن حق و تکلیف برای انسان‌ها به‌عنوان شهروندانِ یک جامعه اسلامی مهم‌ترین عناصر نگاه حقوقی اسلام به انسان‌ها در عرصه حقوق عمومی است که نتایج و پیامدها و اصول مهم حقوقی را نتیجه می‌دهد. برابری شهروندان در مقابل قانون، تأمین حقوق قضایی و اقتصادی شهروندان، نظارت شهروندان بر عملکرد حاکمان، حق شهروندان در انتخاب حاکمان و تعیین سرنوشت، آزادی عقیده

---

[۱] Citizen

[۲] Citizenship rights

[۳] اسلام نگاهی انسانی به مقوله شهروندی و شهروندان جامعه دارد که با نگاه رایج در نظام‌های حقوقی متعارف مبتنی بر نگاه «تبعه – غیر تبعه» متفاوت است. لذا همه افراد جامعه به‌عنوان شهروند شناخته شده و از حقوق سیاسی اجتماعی بهره مند می شوند (قنبری، ۱۳۹۹: ۱۲).

و نفی اکراه در دین، حق کرامت و احترام انسانی و اصل خدمتگزاری حکومت اسلامی مهم‌ترین حقوق شهروندی است که دولت اسلامی موظف به تضمین آن‌هاست. در مقابل مسئولیت‌پذیری متقابل شهروندان نسبت به همدیگر، قانون مداری و احترام به قوانین، منع تجاوز به منافع عمومی و اضرار به حقوق دیگران، امربه‌معروف و نهی از منکر و اَدای تکالیف مالی جزو مهم‌ترین عناصری است که شهروندان موظف به تأمین و مراعات آن‌ها در جامعه اسلامی‌اند (قنبری، ۱۳۹۹: ۷).

حقوق شهروندان در نگاه امام علی(ع): با نگاه به سیره عملی، تعلیمات و آموزه‌های ائمه اطهار(ع) به‌طور عام و امیر مؤمنان علی(ع) به‌طور خاص، می‌توان به نقش بسیار مؤثر ایشان در ترویج حقوق بشـر پی برد. در کلام امام که در این مقاله مورد تأکید و توجه است مفاهیم متنوعی در قالب خطبه‌ها نامه‌ها و حکمت‌ها، به کار برده شده‌اند که ناظر بر مفهوم و مضمون حقوق شهروندی در جامعه اسلامی بوده است. ازجمله مفهوم الرعیه و کلمات مترادف آن‌که به‌طور مستقم بر شهروندی و حقوق افراد جامعه دلالت داشته شامل توصیه‌های امام به کارگزاران حکومت پیرامون حقوق متقابل رهبر و مردم و رعایت منافع عمومی، و گاهی نیز معانی عام مانند الناس و الاهل به کار به کار گرفته شده‌اند که در برخی مواد بر شهروندی دلالت داشتند. امام به‌دفعات قرآن و سنت پیامبر(ص) را ملاک و محک خود معرفی کرده و بر همین مبنا می‌توان دریافت که اندیشه و نظرات ایشان را در باب شهروندی منبعث و نشأت گرفته از این دو منبع است (عربی فر، ۱۳۸۹: ۷۳-۷۴). حقوق اجتماعی، مساوات، برابری، کرامت انسانی، مقابله با ستم و ستمگری، منع تجاوز و بسیاری مقوله‌های مشابه؛ از موضوعاتی هستند که در کلام امیرالمؤمنین برجسته بوده‌اند و مباحث فراوانی حول انواع حقوق افراد جامعه در ساحت اندیشه و سیره سیاسی ایشان شکل داده است.

با عطف به توضیحات ارائه شده در این قسمت، در ادامه و در قسمت روش، با الهام از تعاریف ارائه شده در باب حق‌وحقوق شهروندی و همچنین جایگاه حقوق بشر در ساحت اسلام و اندیشه امیر مؤمنان، با تفکیک حقوق به دو دسته مادی و معنوی تلاش شده است تا با وضوح بیشتری نگاه امام به مقوله شهروندی تبیین شود. بدیهی است با توجه به دو نامه انتخاب شده، نوع نگاه به مقوله شهروندی در این مقاله، ناظر بر تکلیف حکومت به تأمین حقوق افراد جامعه است لذا شاخص های مورد بررسی متوجه امتیازاتی است که وظیفه تأمین آن به دولت، مدیران شهری یا به‌طورکلی، قوای حاکم واگذار شده است.

۲) روش‌شناسی

جمع‌آوری اطلاعات را به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های پژوهش در نظر می‌گیرند چراکه هر چه قدر روش جمع‌آوری اطلاعات منطبق بر اهداف تحقیق؛ درست و صحیح جمع‌آوری شده باشد به همان نسبت نتایج تحقیق هم می‌تواند درست و صحیح باشد. یکی از راه‌های گردآوری داده‌ها، استخراج از اسناد مدارک و امثال آن و به‌اصطلاح روش کتابخانه‌ای است. که در قسمت‌های مقدمه، بررسی پیشینه و تبیین ادبیات موضوعی پژوهش از این روش بهره گرفته شد. در ادامه جهت بررسی و استخراج مضامین مرتبط با حقوق شهروندی در کلام امیرالمؤمنین از روش تحلیل محتوای قیاسی بهره گرفته شده است. با توجه به ماهیت این روش، از به‌کارگیری طبقات از قبل تعیین‌شده اجتناب شده و در عوض این امکان فراهم شد که طبقات و نامشان از درون داده‌ها بیرون آیند.

در این روش، به‌جای اینکه شروع گردآوری داده‌ها با اتکا به فرضیاتی باشد که از دل یک نظریه بیرون آمده است، نقطه شروع آن بر اساس سؤال و هدف پژوهش است. به این معنا که با تحلیل عمیق منبع داده‌ها که در اینجا متن کتاب نهج‌البلاغه است، تلاش می‌شود تا به یک درک یا بصیرت جدیدی دست پیدا کرد. بر همین مبنا؛ ابتدا تحلیل داده‌ها با خواندن مکرر متن برای یافتن یک درک کلی آغاز می‌شود. در گام بعدی، تمام جملات معنادار استخراج شده و در ادامه به هرکدام از داده‌های معنایی یک کد یا برچسب؛ که در این مقاله، انواع حقوق شهروندی است، اختصاص داده می‌شود، که در قالب تیترهای مخصوص در بحث مورد اشاره قرارگرفته‌اند و شاخص‌های آن به ترتیب ذیل تعریف‌شده‌اند:

جدول شماره ۱) ابعاد و تعریف عملیاتی حقوق شهروندی در کلام امیرالمؤمنین(ع)

مفهوم	ابعاد		تعریف	شاخص‌ها
حقوق شهروندی	مادی	سیاسی	حقوقی است که در راستای نقش‌آفرینی افراد در تعیین سرنوشت خویش که از طریق مشارکت در فرایندهای سیاسی محقق می‌شود (بهارلویی و نعمتی، ۱۳۹۷: ۵۱).	حکومت در خدمت مردم رعایت انصاف و مدارا با مردم ارزیابی کارگزاران حکومتی
		اجتماعی- اقتصادی	حقوقی است از مجموعه حق‌ها و حمایت‌هایی که از طریق آن، آسایش، رفاه و بهزیستی به حداکثر و عدم رفاه به حداقل می‌رسد و ناظر است بر حق برخورداری از حداقل رفاه اقتصادی و اجتماعی که به‌عنوان مزایای عضویت و مشارکت در حیات جامعه، به افراد تعلق می‌گیرد تا فرد در مسیر کمال و رشد خویش، از شرایط آبرومندانه زندگی برخوردار شود. این حقوق، به‌موازات استقرار نظام‌های حمایتی شکل می‌گیرد (موسی زاده و مصطفی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۱).	تأمین رفاه تأمین اجتماعی عدالت اقتصادی
	معنوی		حقوقی است که در راستای تأمین مصالح غیرمادی حیات افراد جامعه مطرح می‌شود (قراملکی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۸).	آزادی و حق حیات آزادی عقیده و مذهب امنیت و مصونیت از تجسس

در تکمیل فرایند فوق‌الذکر، و با توجه به حجم بالای متن که بیش از ظرفیت این مقاله است، تلاش شد تا به جستجوی مضامین حقوق شهروندی در سخنان حضرت در قالب نامه‌های نهج‌البلاغه پرداخته شود. نامه‌های نهج‌البلاغه به آن دسته از نامه‌های نهج‌البلاغه اشاره دارد که امام(ع) آن‌ها را خطاب به کارگزاران و مسئولان حکومتی، فرماندهان نظامی و مأموران خراج ارسال و محتوای آن‌ها به شیوه‌های حکومت‌داری و کیفیت تعامل مسئولین با مردم و مواردی از این قبیل اشاره دارد (دشتی، ۱۴۰۰: ۳۵۹). نهج‌البلاغه دارای هفتادونه بخش است که از دوازده وصیت‌نامه، سفارش و بخش‌نامه، دو فرمان، یک دعا، یک پیمان‌نامه و شصت‌وسه نامه تشکیل یافته است (رشاد، ۱۳۸۰: ۱۹). با توجه به اهمیت و برجستگی دو نامه امام شامل نامه ۵۳؛ نامه به مالک اشتر؛ حاکم مصر و نامه ۴۵؛ نامه به عثمان بن حنیف؛ کارگزار امام در بصره. در این مقاله تلاش شده است تا مقوله حقوق شهروندی و شاخص‌های مرتبط با آن از این دو نامه استخراج گردد به همین دلیل شیوه نمونه‌گیری کاملاً هدفمند اتخاذ شده است. ضمن اینکه از برخی شروح کتاب شریف نهج‌البلاغه و تاریخ نیز بهره گرفته شد. جملات معنادار مورداشاره در دو نامه مذکور در قالب گویه‌هایی در جدول ذیل نمایش داده شده است:

جدول شماره ۲) محتوای نامه‌های دوگانه در کلام امیرالمؤمنین(ع)

عنوان	محتوا
نامه ۴۵ (به عثمان بن حنیف)	پرهیز از تجمل و اشرافی گری، توجه به حلال و حرام، ضرورت ساده زیستی، قناعت‌پیشگی، خودسازی و تربیت نفس، یاری محرومان، توجه به توده مستضعف جامعه، ترس از خدا، غلبه بر تمایلات و خواهش‌های نفسانی، عدالت‌طلبی، اقتدا به الگوهای صالح، الگوپذیری مردم از مسئولین، جایگاه برجسته پیام (ص)، مبارزه با فساد، حکومت و رهبری، پرهیز از دنیاطلبی، یاد مرگ، توجه به آخرت، زیست متعهدانه مسئولان، ایمان به معاد، انجام فرمان‌ها الهی توسط کارگزاران، عبرت از گذشتگان، شرح هلاکت اقوام پیشین، نابودی قدرتمندان و دنیازدگان، عبادت و اطاعت، ویژگی‌های انسان‌های مسئول و اطاعت پیشه، پرهیز از مال شبهه دار، همدردی با محرومان، توجه به مردم (مکارم، ۱۳۸۶: ۱۷۹ و عترت دوست و احمدی، ۱۴۰۰: ۷۴–۸۸).
نامه ۵۳ (به مالک اشتر)	رعایت انصاف و عدل، عیب‌جویی مردم نکردن و مخفی کردن عیوبشان، کسب رضایت توده، ظن نیک داشتن به مردم، مشورت با صاحبان اندیشه و دانشمندان در اداره امور، دسته‌بندی مشاغل و حرف جامعه، توجه به مطالبات مشاغل و طبقات مختلف، برشمردن ویژگی‌های قاضی و کارگزاران حکومتی، تأکید بر آبادانی و عمران زمین‌ها، اشاره به شرایط و ویژگی‌های کاتبان، برخورد نیک با کسبه و صنعتگران، توجه و مراقبت از محرومان طبقات فرودست، مراعات شرایط ناتوانان و معلولان هنگام اقامه نماز جماعت، امتیاز ندادن به خویشاوندان، نزدیکان و خواص در امور بیت‌المال، شرایط صلح با دشمنان تأکید بر وفای به عهد و محکم بستن آن (شبستری و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۶–۵۳ و رحیم‌پور، ۱۳۸۳: ۱۵۳–۱۵۵).

همان‌طور که از محتوای مورداشاره امام در نامه‌های فوق برداشت می‌شود، دو نامه ۴۵ و ۵۳، با خطاب قراردادن کارگزاران حکومتی و تأکید بر توجه ایشان به حقوق عامه مردم، در تحلیل و بررسی جایگاه حقوق شهروندی و شناسایی شاخص‌های آن در مقاله پیش رو خواهند داشت. در ادامه به تبیین جایگاه حقوق شهروندی در ابعاد متنوع آن در کلام امیرالمؤمنین پرداخته شده است.

۳) حقوق شهروندان در کلام امام علی(ع)

در سیره عملی امام‌علی(ع) احترام به شخصیت انسان‌ها و تأمین حقوق انسانی وی، از خط‌مشی‌های حکومت آن حضرت بوده است چراکه حرمت انسان‌ها، تکالیفی را برای نظام سیاسی در قبال شهروندان خود ایجاد می‌کند و فرد به‌محض قرار گرفتن در جایگاه واقعی خود در جامعه در مسیر رشد و تعالی دنیوی و اخروی، حرکت می‌کند (فاطمی، ۱۳۹۳: ۴۷). ازآنجاکه تمامی حقوق به رسمیت شناخته‌شده مردم از سوی امام علی(ع) را نمی‌توان در این مختصر بررسی و تحلیل نمود، به‌ناچار و بنا به ابعاد تعیین‌شده در جدول شماره ۱، تلاش شده است تا مضامین حقوق شهروندی در ابعاد و شاخص های مشخص شده؛ در امام علی(ع) ارائه شوند.

۱-۳- بعد مادی – سیاسی: مفهوم سیاست و حکومت از دیدگاه امیرالمؤمنین به معنای هدایت و مدیریت جامعه و راهبرد انسان و جامعه به سوی کمالات انسانی و تقرب به خداست (باباپور، ۱۳۹۲: ۳۹). حکومت امام علی(ع) یک حکومت دینی و اخلاق محور بوده و به همین دلیل، حفظ عزت و شخصیت انسان‌ها و تکریم کرامت انسانی، برای آن حضرت در اولویت قرار داشت (عربی فر، ۱۳۸۹: ۷۶). در ادامه مضامین مرتبط با جایگاه مردم و تکریم حقوق ایشان به‌عنوان شهروند جامعه ولایی تحت حکومت علی(ع) ارائه شده است.

حکومت در خدمت مردم: امام مشروعیت را الهی می داند و آن را در صورت اقبال و اراده مردم در جامعه محقق می داند. با توجه به اهمیت مردم و جایگاه ایشان؛ امیرمؤمنان همواره کارگزاران حکومتی را نسبت به این آسیب مهم هشدار می‌دادند که مبادا میان خویش و مردم حائلی قرار دهند (فلاح، ۱۳۸۴: ۱۰۷). که در این صورت بنیاد مشروعیت، مقبولیت و کارایی حکومت سست خواهد شد. آن حضرت خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند: "هیچ‌گاه خود را فراوان از مردم پنهان مدار، که پنهان بودن رهبران نمونه‌ای از تنگ‌خویی و کم‌اطلاعی در امور جامعه می‌باشد. نهان شدن از رعیت، زمام داران را از دانستن آنچه بر آنان پوشیده است، بازمی‌دارد" (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳). شأن حکومت اسلامی شأن خدمتگزاری است و عدول از این اصل مشروعیت حکومت اسلامی را خدشه دار می کند. پس شهروندان جامعه اسلامی از حقوق ویژه خود برخوردارند تا از تعرضات احتمالی هیئت حاکمه در امان باشند (قنبری، ۱۳۹۹: ۱۰-۹). در همین رابطه می فرمایند: "به مردم نگو، به من فرمان دادند و من نیز فرمان می‌دهم، پس باید اطاعت شود، که این گونه خود بزرگ بینی دل را فاسد، و دین را پژمرده و موجب زوال نعمت‌هاست"(نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

رعایت انصاف و مدارا با مردم: در رابطه با این مقوله امام، در نامه خود به مالک اشتر می‌فرمایند:"انصاف و عدل در مقابل خداوند و عموم مردم را در قبال خود و خاندان خویشتن و افرادی از رعایا که موردعلاقه تو هستند مراعات کن، چراکه اگر چنین عمل نکنی ستم‌خواهی کرد ..." و در همین نامه با تأکید بر توجه به رضایت مردم، اعم از مسلمان و غیرمسلمان، بر مدارا و تساهل با ایشان اشاره و می‌فرمایند:"قلب خود را مرکز محبت و رحمت و لطف به مردم قرار بده و در مورد ایشان مانند درنده‌ای نباش که خوردنشان را غنیمت بدانی، چراکه مردم دودسته‌اند یا برادران دینی تو هستند یا انسان‌هایی که در آفرینش و خلقت شبیه تو" همچنین "از گذشت و عفو خود به ایشان آن‌قدر عطا کن که دوست داری و می‌پسندی که پروردگار از گذشتش به تو عطا نماید،

چراکه تو مافوق مردم هستی و پیشوایت مافوق توست و خدا نیز فوق کسی است که تو را والی رعایا قرار داده است ... و به‌وسیله ایشان تو را آزمایش خواهد کرد" (نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

ارزیابی کارگزاران حکومتی: در اندیشه سیاسی امیرالمؤمنین حاکم اسلامی نه‌تنها لازم است خود را در قبال کیفیت عملکرد کارگزاران مسئول بداند بلکه بنا به اقتضائات عملکرد ایشان، جهت تأمین و حراست از حقوق مردم، با سرعت و قاطعیت، تمهیدات لازمی را اتخاذ نماید (آراسته، ۱۳۸۶: ۱۸). در همین راستا؛ امام در نامه خود خطاب به مالک اشتر می‌فرمایند:"رفتار کارگزاران را بررسی کن، و جاسوسانی راستگو، و وفاپیشه بر آنان بگمار، که مراقبت و بازرسی پنهانی تو از کار آنان، سبب امانت‌داری، و مهربانی با رعیت خواهد بود. و از همکاران نزدیکت سخت مراقبت کن، و اگر یکی از آنان دست به خیانت زد، و گزارش جاسوسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده او را با تازیانه کیفر کن، و آنچه از اموال که در اختیار دارد از او باز پس گیر، سپس او را خوار دار، و خیانت‌کار بشمار، و طوق بدنامی به گردنش بیفکن"(نهج‌البلاغه، نامه۵۳).

۲-۳- بعد مادی – اقتصادی و اجتماعی: حق مالکیت، حق کارکردن، برابری در فرصت ها، رفاه، برخورداری از تأمین اجتماعی و غیره از جمله مواردی است که به عنوان حقوق اقتصادی اجتماعی از آن‌ها یاد می‌شود. امام در یکی از خطبه‌های خود، مردم را این‌گونه مورد خطاب قرار می دهند: "حق مردم[۱]بر من همانا این است که از طلب برای شما دریغ نکنم و شرایط بهره‌مندی از ثروت و بیت‌المال را برایتان فراهم کنم" این موضوع، نشانگر آن است که دغدغه یاری محرومان و تأمین حقوق مردم سرتاسر اندیشه و عمل امیر مؤمنان را در بر داشته است. در ادامه به جزئیات بیشتری به این دغدغه امام پرداخته می‌شود.

تأمین رفاه: خداوند نعمت‌های فراوانی در راستای تأمین و رفع نیاز نوع بشر خلق کرده و تمام این نعمات را به‌گونه‌ای مسخر بشر ساخت تا با اتکا به ایشان و رفع نیازهای مادی خود، زیست و حیاتی در خور کرامت و شأن انسانی خود فراهم کند.[۲] بر این اساس، یکی از اهداف انبیاء به‌طور عام و ائمه به شکل خاص، به‌عنوان خلیفه خداوند بر روی زمین، تحقق غایت الهی حیات انسان، نیل به سعادت، رشد و تعالی است که به‌ویژه با برپایی حکومت اسلامی و ایجاد رفاه مادی و معنوی قابل تحقق است. امیرالمؤمنین نیز در نامه خود خطاب به مالک اشتر،[۳] تأمین و توسعه رفاه افراد جامعه و عمران و آبادانی را در اولویت اهداف حکومت اسلامی برشمرده و بی‌توجهی به این مقوله را عاملی اساسی در فروپاشی حکومت معرفی می‌کنند (موسی زاده و مصطفی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۵).

در نظر امام علی، مدارا با مردم و عدم ستم اقتصادی جزئی از حقوق ایشان است. در نامه به مالک اشتر نیز چنین استدلال می‌کنند که برای جلب اعتماد مردم باید با آنان خوش‌رفتار و منصفانه برخورد کرد: "بدان ای مالک هیچ وسیله‌ای برای جلب اعتماد والی به

---

[۱] نامه حضرت فرماندار بصره؛ به عثمان بن حنیف، که در مجلس مهمانی اشرافی با غذاهایی رنگارنگ شرکت کرده بود (نهج‌البلاغه، نامه ۴۵)

[۲] ابراهیم، ۳۲-۳۴.

[۳] باید توجه تو به آبادانی سرزمین بیش از تحصیل و جمع‌آوری خراج باشد و باید توجه داشته باشی که جمع‌آوری خراج، جز با آبادانی میسر نمی‌شود، و آن که خراج خواهد و به آبادانی نپردازد، شهرها را ویران کند، مردم را از بین ببرد و حکومتش جز اندکی دوام نیابد.

رعیت بهتر از نیکوکاری به مردم، و تخفیف مالیات، و عدم اجبار مردم به کاری که دوست ندارند، نیست، پس در این راه آن‌قدر بکوش تا به وفاداری رعیت، خوش‌بین شوی، که این خوش‌بینی رنج طولانی مشکلات را از تو برمی‌دارد" (نهج‌البلاغه، نامه۵۳).

تأمین اجتماعی: تأمین نیازهای ضروری شهروندان یک جامعه است ازجمله موارد مهمی است که در اسلام؛ مسئولیت رفع آن بر عهده حکومت نهاده شده است، به این معنا که اگر افرادی از جامعه به علل گوناگون درآمدشان کفاف تأمین هزینه‌های زندگی کافی نیست، حکومت موظف است در جهت حل رفع آن اقدام نماید (موسی زاده و مصطفی‌زاده، ۱۳۸۹: ۵۸). امیر مؤمنان در نامه خویش به مالک، بر توجه به اقشار محروم شامل یتیمان، مسکینان، ناتوانان و معلولان تأکید داشته و می‌فرمایند: ".. خدا را در نظر داشته باش، در مورد توده فرودست ...؛ به‌راستی‌که در این قشر، افراد قانعی هستند که نیازهایشان را نادیده می‌گیرند. برای خدا، حقی را که پروردگار حراست آن را برای آنان به تو وانهاده، حفظ و قسمتی از بیت‌المال و سهمی از غله‌های اراضی خالصه را در هر ولایت به ایشان واگذار کن" (نهج‌البلاغه، نامه۵۳).

عدالت اقتصادی: درنامه امام خطاب به مالک[۱] این چنین آمده است که؛ "به تحقیق آن چه بیش از همه دیده والیان به آن روشن می‌شود، برقراری عدالت در کشور است" (نهج‌البلاغه، نامه۵۳)، در واقع بهترین روشنایی چشم زمامداران و آرامش خاطر درونی حاکمان، برپایی عدل در جامعه است و شهروندی زمانی محقق می‌شود که یک‌یک افراد جامعه به‌طور همزمان از حقوق مدنی، سیاسی و به‌ویژه فرصت‌های مناسب از حیث رشد اقتصادی و تعالی اجتماعی بهره‌مند باشند تا ضمن حفظ حق مالکیت افراد، از ایجاد فاصله طبقاتی و تقسیم جامعه به دو طبقه فرادست و فرودست ممانعت شود (هاشمی و همکاران، ۱۳۸۸: ۵۹). مالیات یکی از مواردی است که در تحقق عدالت اقتصادی نقش مهمی ایفاء می‌کند. در همین رابطه امیرالمؤمنین(ع) در نامه خود خطاب به مالک اشتر بیان می‌داد که مالیات ذیل مالکیت عمومی قرار دارد و همه مردم در آن سهیم هستند (سلطانمرادی و هابیلی، ۱۳۹۰: ۱۹). لذا "در کار خراج چنان دقت کن که اصلاح خراج دهندگان در آن است... زیرا همه روزی‌خور خراج و خراج دهندگان هستند"(نهج‌البلاغه، نامه۵۳). درواقع توزیع برابر مالیات میان مردم و جلوگیری از دخل و تصرف عده‌ای محدود در بیت‌المال روش عدالت اقتصادی مدنظر امام علی(ع) است که به این وسیله رفاه عموم مردم تأمین و حقوق اقتصادی ایشان برآورده شود (کاووسی و حینی راد، ۱۳۹۵: ۱۰۸).

۳-۳- بعد معنوی: احترام به کرامت ذاتی انسان مستلزم احترام به استقلال و آزادی انسان و قدرت انتخاب، تعقل و تفکر اوست (قنبری، ۱۳۹۹: ۱۱). از ویژگی های مهم حقوق معنوی شهروندان این است که همواره ملازم و همراه صاحب حق بوده و قابل انفکاک و انتقال نمی باشد و همه افراد جامعه بدون هیچ استثنایی (زبان، قومیت، نژاد، مذهب و غیره) از ایشان بهره مند می شوند. از جمله مضامین مورد تأکید در این نوع حقوق در سیره امیرمؤمنان عبارت هستند از:

---

[۱] إِنَّ أَفْضَلَ قُرَّةِ عَيْنِ الْوُلَاةِ اسْتِقَامَةُ الْعَدْلِ فِي الْبِلَادِ

آزادی و حق حیات: یکی از اصلی‌ترین و پایه‌ترین حقوق شهروندی، بهره‌مندی از حق حیات است و تا زمانی که این مؤلفه محقق نشود، مجالی برای تحقق سایر حقوق شهروندی فراهم نخواهد شد. در سیره امام علی(ع) همواره بر حفظ جان، مال، عرض و آبروی همه افراد و حفظ آرامش و امنیت فردی و اجتماعی ایشان، تأکید شده است (سلطانمرادی و هابیلی، ۱۳۹۰: ۱۹). امام در نامه خود به مالک اشتر، جان مردم را محترم شمرده و در مورد به‌ناحق ریختن خون مردم هشدار می‌دهند:"از به ناحق ریختن خون مردم شدیداً پرهیز کن، چراکه هیچ‌چیز همچون به‌ناحق ریختن خون در نزدیک کردن انتقام خداوند و مجازات شدید و سرعت نابودی نعمت و حکومت‌ها، نیست" (نهج‌البلاغه، نامه۵۳).

آزادی و کرامت انسانی به معنای حاکمیت بشر بر سرنوشت خویش و مشروعیت قدرت اراده و اختیار وی، از دیگر مواردی است که در جهت تأمین حق حیات شهروندان موردتوجه امیرالمؤمنین بوده است. چنانکه در نامه خویش به امام حسن، این‌گونه فرموده‌اند که: "نفس خویشتن را از گرایش به هر پستی گرامی دار (و بزرگوارتر از آن باش که به پستی‌ها تن در دهی) هرچند گرایش به پستی‌ها تو را به خواسته‌هایت برساند، زیرا تو هرگز نمی‌توانی در برابر آنچه از شخصیت خود در این راه از دست می‌دهی بهای مناسبی به دست آوری و برده دیگری مباش، خداوند تو را آزاد آفریده است" (نهج‌البلاغه، نامه۳۱).

آزادی عقیده و مذهب: یکی از انواع حقوق شهروندی که از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، آزادی عقیده است. عقیده در لغت به معنای بسته شدن، منعقد گردیدن و گره خوردن آمده است; یعنی امری که با ذهن و روح و روان انسان پیوند خورده، انعقاد می‌پذیرد (اسحاقی، ۱۳۸۸: ۲۲). اسلام، اکراه و اجبار در گزینش عقیده ازجمله دین اسلام را مردود شمرده است[۱]و آیه‌ای دیگر از قرآن می‌فرماید: قُلِ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنْ شاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَنْ شاءَ فَلْيَكْفُرْ[۲]؛ لذا بر اساس حکم عقل، انسان در اختیار و انتخاب عقیده آزاد است؛ ازاین‌رو نمی‌توان عقیده‌ای را بر انسان تحمیل کرد (رضوانی، ۱۳۸۶: ۳۲۸). امیرالمؤمنین(ع) نیز در نامه خود به مالک اشتر بر این امر تأکید داشته و می‌فرمایند"خداوند سبحان بندگانش را امر کرده و آن‌ها را اختیار بخشیده و نهی کرده و بر حذر داشته، تکالیف آسانی بر دوش آنان گذارده و هرگز تکلیف سنگینی نکرده است. در برابرِ (اطاعت کم) پاداش کثیری قرار داده و هرگز کسی از روی اجبار، او را معصیت نکرده و از روی اکراه اطاعت ننموده است" چراکه خداوند به انسان اختیار و حق انتخاب اعطا نموده و نباید مجبور به پذیرش عقیده یا مذهب و آیینی خاصی شود(نهج‌البلاغه، نامه ۵۳).

حفظ امنیت و مصونیت از تجسس: منع افشای اسرار خصوصی افراد جامعه ازجمله حقوقی است که به‌طور همزمان برای ایشان و حکومت ایجاد وظیفه و مسئولیت می‌کند. ضروری است که حکومت باید به حریم خصوصی و خلوت افراد جامعه خود احترام نهد و این مقوله‌ای است که چه در دنیای مدرن و چه در اعصار گذشته پذیرفته شده است. بر همین منوال، دین اسلام[۳]نیز تجسس در

---

[۱] بقره ۲۵۶: در قبول دین اکراهی نیست، [زیرا] راه درست از راه انحرافی، روشن‌شده است.

[۲] بگو: این حق است از سوی پروردگارتان! هر کس می‌خواهد ایمان بیاورد [و این حقیقت را پذیرا شود] و هر کس می‌خواهد کافر گردد.

[۳] حجرات ۱۲: ای کسانی که ایمان آورده‌اید از بسیاری از ظن‌ها پرهیز کنید چرا بسیاری از این ظن‌ها گناه است و در امور یکدیگر تجسس نکنید..

امور افراد را به‌صراحت مردود دانسته است. در همین رابطه؛ امیر مؤمنان در نامه خود خطاب مالک اشتر بر این حق تأکید داشته و می‌فرمایند:"دورترین افراد در نزد تو باید افرادی باشند که بیشتر در پی عیب‌های مردم هستند. در همه افراد نقص‌هایی وجود دارد و زمامدار اولی‌ترین فرد در مخفی کردن و پوشاندن آن‌هاست. مبادا که از عیبی پرده‌برداری که بر تو مخفی است چراکه مسئولیت تو پاک کردن زشتی‌های آشکار است. پروردگار درباره آن چیزی که از چشم تو مخفی است حکم می‌راند، پس تو تا می‌توانی عیوب افراد را پنهان نگه‌دار"(نهج‌البلاغه، نامه۵۳).

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش بر آن بود تا شواهدی از جایگاه حقوق شهروندی در کلام امیرالمؤمنین علی(ع) مورد شناسایی و بررسی واقع شود. به دلیل گستره وسیع این موضوع، تلاش شد تا با گزینش دو نامه برجسته ایشان به دو والی خود مالک اشتر در مصر و عثمان بن حنیف در بصره، به نحوی عملیاتی، شواهدی از جایگاه حقوق شهروندان در جامعه اسلامی و تحت خلافت امیر مؤمنان استخراج گردد. با توجه به ماهیت حکومت اسلامی امیرالمؤمنین که سعادت دنیوی و اخروی شهروندان جامعه اسلامی را مدنظر داشت لاجرم با تقسیم این حقوق به دودسته مادی و معنوی، تلاش شد تا تصویر روشن‌تری از ماهیت حقوق شهروندی در اندیشه و کلام امیرالمؤمنین ارائه گردد. با بررسی محتوایی کلام امیرالمؤمنین در دو نامه مذکور، می‌توان به‌وضوح دریافت که ایشان برای انسان و حفظ کرامت وی چه جایگاه والایی قائل بوده‌اند. به‌نحوی‌که در تعاملات خویش با فرماندهان و کارگزاران حکومتی در ولایات مختلف، از کوچک‌ترین تا کلان‌ترین موضوعات را زیر نظر داشته تا همه قشرهای جامعه اسلامی از اهل کتاب و غیر آن، از حقوقی یکسان در امور مختلف مادی و معنوی بهره‌مند باشند و از این مسیر، بستر مساعد برای نیل به هدف ایشان یعنی تأمین آرامش معنوی و سعادت دنیوی شهروندان و یکایک افراد جامعه توحیدی فراهم گردد. حاصل آنکه، ازنظر امام که تحت تأثیر قرآن و سنت پیامبر اسلام(ص) بوده‌اند مهم-ترین حق هر فرد، بهره‌مندی از شرایط مساعد و برابر در جهت حرکت وی به سمت تعالی و رشد است تا از این مسیر؛ به نهایت رشد مادی و معنوی خویش دست یابد. امری که حکومت و کارگزاران حکومتی مسئولیتی سنگین در تحقق آن دارند. ازنظر امام، که در نامه‌های ایشان به دو کارگزار خود برجسته شده؛ تأمین امنیت، تساهل و مدارای حکومت با ایشان، تلاش حکومت در جهت تأمین رضای خاطر مردم، مساوات و برابری، بهره بردن از بیت‌المال، یاری محرومان و منع فاصله طبقاتی مساوات به آیین و رنگ و عقیده خاصی ارتباطی ندارد. بلکه شهروندان این حق را دارا هستند که در بستری از آزادی و مصونیت، با اتکا بر شایسته‌سالاری و کارآمدی حکومت، در مسیر تعالی مادی و معنوی خویش قدم بردارند.

منابع

۱. قرآن کریم.

۲. نهج‌البلاغه.

۳. ابن ابی الحدید (۱۳۷۷)، شرح نهج‌البلاغه، ج۱، ۹ و۱۲و۱۸، قم: مکتبۀ آیۀ الله العظمی المرعشی النجفی

۴. ابن تراب، مریم (۱۳۸۵)، حقوق شهروندی از منظر امام علی (ع)، نشریه ندای صادق، شماره ۴۱و۴۲، صص ۴۱–۶۰.

۵. انصاری، منصور و نظری، محمدعلی (۱۳۹۴)، مبانی و اصول حقوق شهروندی در اندیشه امام خمینی(ره) و تفاوت‌های آن با حقوق شهروندی در غرب، فصلنامه اندیشه سیاسی در اسلام، شماره ۴، صص ۷–۳۳.

۶. آراسته، حسین (۱۳۸۶)، حقوق مردم در نگاه امیرالمؤمنین علی(ع)، گنجینه معارف، شماره ۱۸.

۷. باباپور، محمدمهدی (۱۳۹۲)، حاکمیت و حکمرانی در نهج‌البلاغه، قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی (ص).

۸. باقی، عمادالدین (۱۳۸۲)، حقوق بشر یا حقوق مؤمنان، نشریه بازتاب اندیشه، شماره ۴۵، صص ۷۲۵–۷۴۶.

۹. بهارلویی، عبدالله و نعمتی، میثم (۱۳۹۷)، حقوق شهروندی، مؤلفه‌ها و مبانی آن و وظایف دولت در برابر آن، فصلنامه اندیشه‌های حقوق عمومی، سال ششم، شماره ۲، صص ۴۱–۵۸.

۱۰. دشتی، محمد (۱۴۰۰)، کتاب فرهنگ موضوعات کلی نهج‌البلاغه، تهران: انتشارات مؤسسه امیرالمؤمنین. نسخه الکترونیکی، قابل‌دسترسی در:

https://taaghche.com/book/۱۲۰۵۷۸

۱۱. راسخون (۱۳۸۸)، اندیشه‌های سیاسی در نهج‌البلاغه، قابل‌دسترسی در:

https://rasekhoon.net/article/show/۱۳۴۵۶۶

۱۲. رحیم‌پور ازغدی، طاهره (۱۳۸۳)، مالک اشتر مخاطب نامه امام علی(ع)، فصلنامه تاریخ پژوهشی، شماره ۱۴، صص ۱۵۱–۱۵۸.

۱۳. رشاد، علی‌اکبر (۱۳۸۰)، دانشنامه امام علی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

۱۴. رضوانی، علی‌اصغر (۱۳۸۶)، اسلام‌شناسی و پاسخ به شبهات، چاپ سوم، قم: مسجد مقدس جمکران. قابل‌دسترسی در:

https://makarem.ir/maaref/fa/article/index/۴۰۹۰۹۷

۱۵. السان، مصطفی (۱۳۸۷)، حقوق شهروندی از چشم‌انداز نظریه شهروند جهانی و قوانین و مقررات ایران، نشریه حقوق بشر، جلد ۳، شماره ۲، صص ۳–۲۰.

۱۶. سروری مقدم، مصطفی (۱۳۹۳)، تفسیر مفهوم شهروند در قوانین ایران، فصلنامه پژوهشنامه اندیشه‌های حقوقی، دوره جدید، شماره ۱، پیاپی ۴، صص ۹۳–۱۰۸.

۱۷. سلطانمرادی، محمد و هابیلی، مریم (۱۳۹۰)، حقوق بشر در نهج‌البلاغه، فصلنامه مطالعات تفسیری، سال دوم، شماره ۵، صص ۹– ۳۴.

۱۸. سید رضی (۱۳۷۸)، نهج‌البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمؤمنین (ع).

۱۹. شبستری، بهرام و همکاران (۱۳۸۹)، رهنمودهای نامه مالک اشتر در تنظیم ارتباط حکومت‌ها با شهروندان، فصلنامه پژوهشنامه علوی، شماره ۲، صص ۴۳– ۵۷.

۲۰. شکری، نادر (۱۳۸۶)، شهروند و توسعه سازمانی، تهران، انتشارات دانشکده مدیریت.

۲۱. صرافی، مظفر و عبداللهی، مجید (۱۳۸۷)، تحلیل مفهوم شهروندی و ارزیابی جایگاه آن در قوانین، مقررات و مدیریت شهری کشور، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۶۳، ۱۱۵–۱۳۴.

۲۲. عترت دوست، محمد و احمدی، مهدیه (۱۴۰۰)، راهکارهای مقابله با اشرافی گری بر مبنای محتوای نامه امام علی(ع) به عثمان بن حنیف، فصلنامه علمی پژوهشی اسلام و مطالعات اجتماعی، سال ۹، شماره ۲، صص ۶۹–۹۴.

۲۳. عمید، حسن (۱۳۹۶)، فرهنگ عمید، چاپ ششم، تهران: انتشارات امیرکبیر.

۲۴. فاطمی، سید علی (۱۳۹۳)، مؤلفه‌های حقوق شهروندی از دیدگاه امام‌علی(ع)، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، دوره ۴، جلد ۴، شماره ۲، صص ۴۷–۷۲.

۲۵. قراملکی، علی مظفر و همکاران (۱۳۹۳)، معناشناسی حق معنوی در گفتمان حقوقی اسلام و ایران، فصلنامه فقه و حقوق اسلامی، سال پنجم، شماره ۹، صص ۱۶۱–۱۹۰.

۲۶. قنبری، مهدی (۱۳۹۹)، درآمدی بر مبانی حقوق شهروندی در پرتو حقوق عمومی اسلام، دوره ۶، شماره ۴ – شماره پیاپی ۶۷، صص ۷–۱۵.

۲۷. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۱)، فلسفه حقوق: تعریف منابع حقوق، تهران: شرکت سهامی انتشار.

۲۸. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۹)، مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران، تهران، شرکت سهامی انتشار.

۲۹. کاووسی، اسماعیل و حسینی راد، مهدی (۱۳۹۵)، راهکارهای ارتقای حقوق شهروندی از منظر امام علی(ع)، فصلنامه حقوق اداری، سال دوم، شماره ۷، صص ۸۹– ۱۱۲.

۳۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۰)، ترجمه و شرح گویای نهج‌البلاغه، جلد۱، قم: هدف

۳۱. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۶)، پیام امام علی (ع)، چاپ اول، جلد دهم، تهران: دارالکتب اسلامی.

۳۲. موسی زاده، ابراهیم و مصطفی‌زاده، فهیم (۱۳۸۹)، بررسی مبانی حقوق اجتماعی، پژوهشنامه انتقادی متون و برنامه‌های علوم انسانی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دهم، شماره ۲، صص ۴۹– ۷۵.

۳۳. میرزایی، اکرم (۱۴۰۰)، آشنایی با مفهوم شهروند و حقوق شهروندی، قابل‌دسترسی در:

https://www.yasa.co

۳۴. هاشمی، حامد و همکاران (۱۳۸۸)، حقوق شهروندی و عدالت اجتماعی، فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه، سال بیست و دوم، شماره ۱، پیاپی ۷۱، صص ۵۹– ۸۸.

۳۵. فلاح، محمد (۱۳۸۴)، سیمای کارگزاران در حکومت امام علی(ع)، نشریه معرفت، شماره ۹۳، صص ۱۰۲– ۱۱۸.

۳۶. عربی فر، مهدیه (۱۳۸۹)، مفهوم حقوق شهروندی در نهج‌البلاغه، نشریه معرفت، سال نوزدهم، شماره ۱۵۳، صص ۷۱– ۸۶.